

مردم مریوان علی‌رغم تهدید نیروهای سرکوب دست به تجمع اعتراضی زدند

صفحه ۳

از اعتراضات به حق مردم مریوان حمایت کنیم!



داشتن جاده های امن و استاندارد، حق مردم مریوان و همه مردم ایران!



مسیری که مردم مریوان طی کردند!



نسان نودینیان

امنیت جاده ها شده اند. اعتراض مردم هر بار با وعده های پوچ مسئولین و نهادهای رژیم اسلامی جواب داده شده است.

نا امنی جاده ها و در خطر قرار گرفتن هزاران نفر از کارگران مرزی در شهر و روستاهای مریوان چالش بزرگ مردم و نظام اسلامی، است.

جاده های استان کردستان شاهرگ حیاتی اقتصاد و تجارت در غرب ایران است. در این شاهرگ حیاتی بورژواها و مافیای اقتصادی درون نظام اسلامی، دارو دسته های دولت دهم و یازدهم و در صدر آنها سپاه پاسداران روزانه میلیون ها تومان به جیب هایشان ریخته میشود.

گروه های مافیای اقتصادی درون نظام اسلامی در جادهای مناطق مرزی از مسیر «بایوه و باشماق» به مریوان و سنندج - سقز با قدرت مالی و اقتصادی و با اتکا به نیروهای انتظامی و مسلح حرف آخر را میزنند.

در اثر بیکاری وسیع و پردامنه ای که در شهر و روستاها حاکم است، صدها جوان تحصیلکرده در مرزها بکار در مرزها مشغولند. مرز مریوان و کردستان عراق محل ازدحام نسبتاً بزرگی از کارگران

صفحه ۲

نا امنی جاده در هر مملکت عادی که از استانداردهای نسبتاً ساده ای برخوردار است، امری غیر عادی تلقی میشود. اما در ایران تحت حاکمیت استبداد سیاسی نظام جمهوری اسلامی گرفتن جان انسانها به اشکال مختلف و ناامنی محیط کار و زندگی امری روتین و ساختاری است. در سطح سراسری نا امنی جاده ها سالانه جان هزاران نفر را میگیرد. در مریوان هر ماه تعدادی از شهروندان شهر مریوان و مسیر جاده مریوان و سنندج و مریوان سقز بدلیل نا امنی جاده ها جان خود را از دست میدهند.

تردد و ترافیک بالای ماشینها در جاده های مریوان شرایط ناامن برای مردم شهر مریوان ایجاد کرده است. سالانه بر اثر تصادف و انفجار ماشین ها ده ها نفر جان خود را از دست میدهند. مردم مریوان در طول چند سال گذشته به نا امنی جاده ها اعتراض کرده اند، و خواهان بالابردن

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی صفحه ۴

در پاسخ به کامنتهای فیسبوک

صفحه ۷

عبدال گلپریان

دستگیر شده گان کمپین اعتراضی مریوان آزاد شدند

صفحه ۱۰

گرامی باد روز جهانی کودک

صفحه ۲

نهاد کودکان مقدمند

یادداشتهای هفته

صفحه ۵

عبدال گلپریان

چرا معلمان و مردم معترض و ناراضی در کردستان عراق چنین هشدار می دهند؟

صفحه ۶

عبدال گلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مسیری که مردم مریوان ...

کولبر شده است.

روزانه تعدادی از کارگران مرزی و کولبر در مناطق مرزی توسط شلیک مستقیم نیروهای انتظامی و تله‌های انفجاری، جان خود را از دست می‌دهند.

در اعتراض به ناامنی جاده‌ها مردم مریوان در روزهای ۱۳ تا ۱۵ مهر دست به حرکتی مهم و اجتماعی زدند که می‌تواند جنبش‌های اجتماعی و فعال در فضای سیاسی در ایران را تحت تاثیر خود قرار دهد.

مریوان در گذر تاریخ

در شهر مریوان مردمی با احساسات و روحیه رزمندگی و پرشوری زندگی میکنند. در شهر مریوان شکلگیری جنبشهای اجتماعی و توده‌ای سابقه بسیار طولانی دارد. نسل‌های مختلف در مریوان هر کدام بنوبه خود تجاربی از مبارزه متشکل و سازماندهی جنبشهای اجتماعی را در کارنامه خود دارند.

نسل من و اکثریت قریب به اتفاق انقلابیون دهه ۴۰ و ۵۰ (شمسی) تحت تاثیر آرمانخواهی سوسیالیستی و چپ در سطح بین‌المللی (دهه ۷۰ میلادی) به کمونیسم و چپ روی آوردیم. کار در میان دهقانان و زحمتکشان، گرفتن شغل معلمی در روستاها، کار در مزارع و آرمانخواهی سوسیالیستی بشکل ملموسی در میان جوانان تحصیلکرده عمومیت پیدا کرد.

در گذر تاریخ اقدامات مهم اجتماعی در کارنامه نسل ما در دهه ۵۰ ثبت شده است، تشکیل و فعالیت با اتحادیه دهقانان جنبش اجتماعی و سیاسی علیه فئودالها و نظام پهلوی (نظام حاکم در آن سالها).

به هنگام پیروزی قیام ۵۷ در مریوان توسط کمونیستها و با حمایت وسیع و توده‌ای مردم شهر و روستاها تشکیل «ستاد حفاظت از شهر» که در نوع خود الگویی از حاکمیت و قدرت سیاسی مردم اراده مردمی تحت هژمونی کمونیستها، تجربه شده است.

رویدادهای ۲۳ تیر ۵۸ و خنثی کردن سیاست کشتار و به توپ و خمپاره بستن شهر توسط رژیم تازه خود را از دست می‌دهند و باعث

بقدرت رسیده اسلامی، کوچ تاریخی مردم شهر مریوان در ۳۰ تیر خود تجربه جدید از قدرت چپ و کمونیستها در شرایط‌های ویژه سیاسی بود، که با دستاوردهای سیاسی قابل‌اتکالی تجربه شد.

و با رشد نسل‌های دهه ۶۰ و ۷۰ (شمسی) و با گسترش پدیده‌ها تر تحصیل و گسترش شهر فضای سیاسی شهر مریوان با اقدامات ابتکاری، الگوهایی از ابراز وجود فعالیت‌های اجتماعی نیز تجربه شده است.

تاتر خیابانی، فعال بودن انجمن دفاع از حقوق کودکان، فعالیت انجمن‌های زیست محیطی، برگزاری مراسم‌های روز جهانی زن و کارگر، فستیوال‌های پر از شور و شوق و رنگین کودکان و ده‌ها سمینار و اقدامات حمایتی از آسیب دیدگان مین‌های دوران جنگ خود در کارنامه این نسل‌ها ثبت و تجربه شده است.

دفاع قاطع جوانان دختر و پسر و حمایت بیدریغ مردم شهر مریوان از حق دوچرخه سواری زنان، بر جسته‌ترین اقدامات پرشور مردم و جوانان دختر و پسر در شهر مریوان است.

پرداختن به شیوه نگرش و زندگی نسل دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ و نحوه برخورد این نسل به حاکمیت نظام اسلامی، مذهب و مردسالاری و زندگی مدرن و امروزی در حوصله این نوشته نیست، هر چند امری ضروری برای تعمیم تجارب نسل‌های قدیمی تر با این نسل ضروری و قائم بذات نیاز سیاسی و اجتماعی است.

شخصا امیدوارم برای هماهنگی و انتقال تحارب نسلی با تهیه بیوگرافی و نگارش سیاسی رویدادها بتوانم به این نیاز مهم جواب بدهم.

جاگاه و خصلت

اعتراضات مردم مریوان

مبارزه مردم شهر مریوان در ۱۳ و ۱۵ مرداد با خواست ایمنی جاده‌ها شروع شد. مردم شهر و فعالین و مدافعین ایمنی جاده‌ها با جمع‌آوری نزدیک به ۸ هزار امضا به وعده‌های توخالی نهاد و کاربدستان نظام اسلامی اعتراض کردند. و همزمان با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند: «سالانه صدها نفر در این جاده جان خود را از دست می‌دهند و باعث

معلولیت صدها نفر نیز می‌شود که بایستی تا هنگام مرگ درد را به جان بخرند. همچنین زیان‌های جانی که در نتیجه نبود امکانات پزشکی مناسب در هنگام انتقال زخمی‌شدگان به بیمارستان به وجود می‌آید هم بخشی از همین عوارض جاده‌های نامناسب است. از سوی دیگر می‌دانیم زیان اقتصادی که متوجه وسایل حمل و نقل مردم می‌شود، و خطراتی که این جاده متوجه توریست‌ها می‌کند کم نیست. علاوه بر این موارد، درد و رنجی که خانوادگی قربانیان و خسارت دیدگان از این مسئله تحمل می‌کنند را باید به عوارض نامساعد بودن این جاده‌ها اضافه کرد...»

۳ مهر روز راه پیمایی با شرکت هزاران نفر اعلام رای اعتراض به ناامنی جاده‌ها و برای دفاع از جان و ایمنی مردم، بود.

۱۵ مهر فراخوان به ادامه اعتراض در ۱۵ مهر اقدامی مبتکرانه توسط فعالین «کمپین اعتراض به ناامنی جاده‌ها» بود.

اهمیت حضور اعتراضی در ۱۵ مهر و فراخوان به تعطیلی معازنه‌ها بمدت چند ساعت (اعتصاب در شهر) در این است که عزم و اراده مردم شهر مریوان را برای تحقق خواست‌های کمپین ناامنی جاده‌ها را تحکیم کرد.

وصل کردن ۱۳ مهر به ۱۵ مهر و تداوم اعتراضات در این دو روز مشخص قدرت اعتراض و تصمیم‌گیری مردم و فعالین کمپین را تحکیم و همزمان هشداری جدی به نهادها و ارگانهای رژیم اسلامی است در صورتیکه مردم جواب‌های نامسوئلانه و وعده‌های توخالی را تکرار کنند، شاهد تجمع اعتراضی و نارضاایتی و فشار مردم در خیابانها خواهند بود.

تجمع و اعتراض ۱۵ مهر حاوی درسهای جدیدی بود. مردم از موضع قدرت و با روحیه بالایی تبلیغات فرماندار و عوامل مزدور را خنثی کردند. ساعتی قبل از برگزاری

مزدور را نادیده گرفتند و به فراخوان «کمپین» جواب مثبت دادند و در میدان بیسارانی تجمع کردند. این تجمع پرشور با شرکت مردم شهر تأییدی بود بر خواستهایی که مردم در ۱۳ مهر برای حمایت از خواست ایمنی جاده‌ها برگزار کرده بودند. در عین حال تبدیل به فستیوال

گرامی باد روز جهانی کودک

گشتند.

روز جهانی کودک را به همه انسانهای کوچک دوست تبریک می‌گوییم. جهانی شاد و ایمن حق همه کودکان است. این جهانی است که باید به نیروی اراده و عزم ما برای کودکان ساخته شود. جهانی فارغ از بردگی مزدی و نابرابری برای همه کودکان ضروری‌ترین اقدام بشریت متدین است. جهان هیچگاه این چنین برای کودکان ناامن و مملو از خشونت نبوده است. جنگ و فرار و آوارگی مصیبت بار کودکان، در جهان سراسر پر از تبعیض و نابرابری به بخشی از حرمان بی پایان زندگی میلیونها کودک بدل شده است. علیرغم ادعاهای پوچ دولتها، نه تنها از ابعاد کار حرفه‌ای کودکان، ازدواج کودکان، استفاده جسنی از کودکان، بیماری و مرگ و میر کودکان، سوءتغذیه و محرومیت از دسترسی به آموزش و ... کاسته نشده است که روز به روز وضعیت کودکان در سراسر جهان رو به وخامت بیشتر گذاشته است.

در جمهوری اسلامی ایران، دست دراز شده مذهب و قوانین و ارتجاعی در زندگی کودکان، مانند جهنم زیر پای کودکان دهان گشوده است. گرانی، بیکاری و بی تأمینگی خانواده‌ها مستقیماً زندگی میلیونها کودک را به ورطه نابودی کشانده است.

سوء تغذیه آشکار صدها هزار کودک را به کام مرگ تدریجی کشانده است. آموزش و پرورش مملو از تبعیض و نابرابری، سبب محروم شدن بیش از هفت میلیون کودک و نوجوان از چرخه آموزش شده است. در حالیکه هیچ منبع و مرجع قانونی و دولتی برای دفاع از حقوق کودکان وجود خارجی ندارد. مدافعین حقوق کودکان، مداوما با پیگرد قضایی و زندان روبرو می‌شوند.

مدافعین سرشناس و محبوب حقوق کودکان، بهنام ابراهیم زاده، سعید شیرزاد، آتنافرقدانی، آتنا دائمی، امید علیشناس و ... به جرم دفاع از حقوق برابر کودکان به زندانهای طویل‌المدت محکوم

مزدور را نادیده گرفتند و به فراخوان «کمپین» جواب مثبت دادند و در میدان بیسارانی تجمع کردند. این تجمع پرشور با شرکت مردم شهر تأییدی بود بر خواستهایی که مردم در ۱۳ مهر برای حمایت از خواست ایمنی جاده‌ها برگزار کرده بودند. در عین حال تبدیل به فستیوال

مزدور را نادیده گرفتند و به فراخوان «کمپین» جواب مثبت دادند و در میدان بیسارانی تجمع کردند. این تجمع پرشور با شرکت مردم شهر تأییدی بود بر خواستهایی که مردم در ۱۳ مهر برای حمایت از خواست ایمنی جاده‌ها برگزار کرده بودند. در عین حال تبدیل به فستیوال

مزدور را نادیده گرفتند و به فراخوان «کمپین» جواب مثبت دادند و در میدان بیسارانی تجمع کردند. این تجمع پرشور با شرکت مردم شهر تأییدی بود بر خواستهایی که مردم در ۱۳ مهر برای حمایت از خواست ایمنی جاده‌ها برگزار کرده بودند. در عین حال تبدیل به فستیوال

مزدور را نادیده گرفتند و به فراخوان «کمپین» جواب مثبت دادند و در میدان بیسارانی تجمع کردند. این تجمع پرشور با شرکت مردم شهر تأییدی بود بر خواستهایی که مردم در ۱۳ مهر برای حمایت از خواست ایمنی جاده‌ها برگزار کرده بودند. در عین حال تبدیل به فستیوال

مردم مریوان علی‌رغم تهدید نیروهای سرکوب دست به تجمع اعتراضی زدند



بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، روز پنجشنبه ۱۵ مهر و بنا به فراخوان "کمپین اعتراض به وضعیت جاده مریوان سنندج" جمع کثیری از مردم مبارز شهر مریوان در میدان بیسارانی این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی صورت گرفت که طی دو روز گذشته تمام کاربدستان حکومت در مریوان، از استاندار کردستان گرفته تا نماینده مجلس رژیم، از فرماندار مریوان گرفته تا نیروهای نظامی و سرکوب حکومت، به بهانه نداشتن مجوز تهدید کرده بودند که اجازه نخواهند داد تجمع برگزار شود چرا که دولت در صدد رسیدگی به وضعیت جاده مریوان سنندج خواهد بود. اما مردم به وعده های تکراری آنان توجه نکرده و در ادامه اعتراضات روز سه شنبه، دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی فوری به وضعیت جاده مریوان برای پایان دادن به مرگ و میر در این مسیر شدند. بنا به خبرهای رسیده بازار و مغازه های شهر مریوان بحالت تعطیل درآمده است. "کمپین اعتراض به وضعیت جاده مریوان سنندج" این اعتصاب را فراخوان داده بود.

روحیه مردم مریوان قابل تحسین است. با تجمع امروز مردم مریوان نشان دادند که دوره عوض شده است. نه وعده های توخالی مردم را به خانه میفرستد و نه قلدری نیروهای سرکوب.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزه مردم مریوان، مردم سنندج و سایر شهرها را نیز به حمایت از

خواست بحق مردم مریوان فرامیخواند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۵ مهر ۹۵
۱۶ اکتبر ۲۰۱۶

دستگیر شدگان تجمع مریوان باید هر چه زودتر آزاد شوند

بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب در جریان تجمع اعتراضی روز پنجشنبه مردم مریوان، شش نفر از فعالین کمپین اعتراضی توسط نیروهای سرکوب رژیم دستگیر شده اند. بهره عارفی فعال این کمپین و یکی از دستگیر شده گان است. به محض دریافت اسامی دیگر دستگیر شده گان به اطلاع خواهیم رساند. مردم مریوان در موقعیتی هستند که میتوانند با تداوم و گسترش اعتراض خود حکومتیان را وادار کنند که دستگیرشدگان فوراً آزاد شوند. هیچ نوع وثیقه و قید و شرطی برای آزادی آنها نباید پذیرفت.

کمیته کردستان حزب از مردم معترض میخواهد که برای آزادی

دستگیر شدگان اعترض کنند.
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۵ مهر ۹۵
۱۶ اکتبر ۲۰۱۶

مردم مبارز مریوان قاطعیت خود را به اثبات رسانیدند

مردم مبارز مریوان علی‌رغم هیاهوی مقامات محلی، علی‌رغم تهدید و ارعاب و علی‌رغم ممنوعیت تجمع مردم و ایجاد فضای امنیتی، تجمع اعتراضی خود را همانگونه که از قبل اعلام کرده بودند، روز پنجشنبه برگزار کردند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی درود میفرستد و اخبار اعتراضات روز پنجشنبه را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم خواهد رساند

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۵ مهر ۹۵

اراده قوی و استوار مردم مبارز مریوان قابل تحسین است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اخبار و گزارشات تجمع اعتراضی مردم مریوان به وضعیت جاده مریوان سنندج را مرتب به اطلاع عموم میرساند. حمایت از این تلاش قابل ارج مردم مریوان وظیفه مردم سنندج سرخ، شهرهای کردستان و دیگر شهرهای ایران است. پایان دادن به نا امنی جاده ها که به قتلگاه شهروندان تبدیل شده است خواست عمومی و همگانی مردم در سراسر کشور است. از راههای ابتکاری مختلف و با حمایتهای سمبولیک و به هر شیوه ای که مناسب میدانید از تجمع، اعتصاب و حرکت انسانی و شور انگیز مردم مریوان حمایت کنید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری بار دیگر به مردم مبارز، انقلابی و شریف مریوان درود میفرستد و خود را همگام در لحظه به لحظه مبارزه آنان برای تحقق خواسته های برحق و انسانی شان همراه و همصدا میدانند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۵ مهر ۹۵
۱۶ اکتبر ۲۰۱۶

از صفحه ۲ گرامی باد روز جهانی ...

آموزشی و پرورشی مدرن همراه با کمک های مؤثر پزشکی و روانپزشکی برای نوجوانان بزهکارها هدف بازگرداندن زندگی شایسته به آنان.

۶- ممنوعیت حجاب کودکان!
۷- کودک مذهب ندارد. کودکان باید از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باشند. جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است.
۸- ممنوعیت دخالت مذهب در آموزش و پرورش و لغو فوری تبعیض و تمایز در همه عرصه ها و سطوح آموزشی میان دختر و پسر. مختلط شدن مدارس در همه سطوح تحصیلی
۹- مقابله قاطع قانونی با استفاده جنسی از کودکان؛ حتی تحت نام ازدواج، جرم سنگین جنایی محسوب می شود. رابطه جنسی افراد بزرگسال با افراد زیر ۱۸ سال، ولو با رضایت آنها، ممنوع است و جرم محسوب می شود.
۱۰- ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و

موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی. ممنوعیت اکید تنبیه بدنی. ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارعاب کودکان.
۱۱- ممنوعیت بخدمت گرفتن کودکان در نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی.
این مطالبات فوری جنبش انسانی دفاع از حقوق کودکان در ایران و خواسته های حداقل و عاجل برای رهانیند کودکان از محرومیت و بی حقوقی و دست درازی مذهب و مقابله با کودک آزاری سیستماتیک توسط جمهوری اسلامی است.
نهاد کودکان مقدمند همه انسانهایی که برای دفاع از حقوق کودکان در تلاش اند و کلیه تشکلهای نهادهای مدافع حقوق کودک را به مبارزه برای تحقق این خواسته ها فرامی خواند.

نهاد کودکان مقدمند
۱۳ مهر ماه ۱۳۹۵
۱۴ اکتبر ۲۰۱۶

از صفحه ۴ نگاه هفته: مجموعه ای از ...

نداشتند. اما دو نفر دیگر که از خود کارگران هستند در کنار کارگران بودند. در این تجمع کارگران زمزم با صدای بلند اعتراض خود را به وابستگی شورای اسلامی کارخانه به نهادهای مانند شورای عالی کار و خانه کارگر اعلام نمودند. آنها می گفتند که اگر با هم باشیم، دیگر نمی گذاریم به هر بهانه ای مانند بدهکاری و بی پولی زمزم و ساخت و ساز کارخانه جدید و کساد بازار و شقه شقه کردن کارخانه و تقسیم آن بین پیمانکاران رانت خوار، حقوق مان را پایمال کنند. کارگران بیان می کردند به شرکتی که در طول سال ۱۲ ساعت کار اجباری دارد و تولید و فروش خوب و صادرات نقدی به کشور عراق دارد، رکود مالی و نداشتن پول و بدهی معنا ندارد و این حرف ها به گوش مان نمی رود، تا جواب نگیریم، به سر کار بر نمی گردیم. تا اینکه اصرار کارگران مدیریت را ناچار کرد که با مقام های بالاتر در کارخانه های تهران و تبریز تماس بگیرند. اما کارگران گفتند که ما صحبت های شما را نمی شنویم و نمی دانیم چه می گوئید! پس از آن بود که مدیران

گفتگوی تلفنی را روی آیفون با صدای بلند پخش کرده و قول دادند که مشکلات کارگران را حل کنند و از کارگران خواستند که به سر کار برگردند. کارگران کارخانه زمزم پس از دو ساعت به این شرط به سر کار بازگشتند که همین امروز تمام بدهی و حقوق و پاداش های موقه را در تمام قسمت های کارخانه از شرکتی و پیمانکاری گرفته تا روزمردها پرداخت شده و از این به بعد پرداخت ها با هم و هماهنگ باشد و اعلام کردند که در غیر این صورت این بار تمام دستگاه ها را خاموش می کنیم.

اعتصاب دو ساعته کارگران نوشابه سازی زمزم کرمانشاه که بر اساس تصمیم جمعی و تجربه خود آنها شکل گرفت، در ساعت ۱۰ صبح به پایان رسید و یک ساعت بعد نیز خواسته های شان محقق شد. آنها ثابت کردند که هیچ گونه تهدیدی مانع همبستگی آنها نمی شود و بابت این موفقیت به همدیگر تبریک می گفتند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۴ / ۷ / ۱۳۹۵

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی

مربوان؛ روز جهانی کودک

در کنار دریاچه زربیار (روستای یینگیجه) روز جهانی کودک در فضایی شاد با شرکت ۴۰۰ کودک برگزار شد.

کامیاران؛ روز جهانی کودک

نوجوانان کامیاران روز جهانی کودک را به صورت نشریه به تصویر کشیدند. روز جهانی کودک مبارک، بر کودکان فراموش شده در حلب؛ بر بدن های نازک تکه پاره شده در آغوش عروسکها مبارک؛ بر وجدانهای خفته بشریت در برابر یکی از قتل عام های بزرگ قرن مبارک؛ بر تمامی سیاستمداران و مترسکهای جهان مبارک. در روزهایی که پر از درد است و درد و درد، پر از خون و اشک، پر از کثافت و بی شرمی، پر از فریاد و ضجه مادران فرزند از دست داده و.... بر ما اکثریت خاموش مبارک. لای لای حلب خفته در خون، لای لای کودکان زیر آوار مانده، لای لای لای آزادی، لای لای لای.... که بشار اسد بیدار است. لای لای.... که پوتین، مرگ را برایتان هدیه آورده است. لای لای.... کودکان شیرینم که دنیای حقیر ما، برای شما دیگر جایی ندارد. که خدایان زمین برای مانایی، خون تازه میخواستند. که ما ساهاست انسان بودیمان، یادمان رفته است. لای لای لای لای....

روز جهانی کودک بر تمام لبخندهای خشکیده از رنج و بدنهایی هم آغوش شده با مرگ مبارک....

از صفحه فیس بوک: بهار در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ

جهانی دوم در اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل به منظور حمایت از کودکان، سازمانی به نام یونیسف را ایجاد کرد که در ابتدا انجمن بین المللی ویژه کودکان سازمان ملل نام گرفت که در سال ۱۹۵۳، یونیسف یکی از بخش های دائمی در سازمان ملل متحد گردید و روز هشت اکتبر را به عنوان روز جهانی کودک نام گذاری کرد.

بهنام ابراهیم زاده: دنیا بدون جنگ و خشونت از هم نمی پاشد

کودکان مقدمند بر هر مصلحت

گذرد. اما با وجود این پس از گذشت ۲۳ سال همچنان چالشهای جدی موجود در مقابل پیشرفت حقوق کودک در ایران مانع ایجاد می کند.

بخشی از این چالشها از ماهیت حقوقی برخوردارند. اما بخش اعظم آنها رنگ اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به خود می گیرند. با این حال متأسفانه هنوز هیچ ساز و کار و ابزار مناسبی برای حمایت اجتماعی از کودکان در ایران وجود ندارد. در کنار فروش کودکان نوزادان آزار کودکان که به پدیده ای رو به گسترش می باشد، بهره کشی از کار کودکان، بردگی، بندگی، زبانه گردی، کار اجباری، کارگر جنسی، کودک آزاری، فعالیت در گروههای قاچاق و مواد مخدر و... که جزو بدترین اشکال کار کودک است، سو استفاده جنسی از کودکان، حضور کودکان در کوره های آجرپزی، کارگاههای پنهان، خیابانها، زیر پلها، زیرزمینها و دیگر مناطق پنهان تراژدی جریحه دار نوع دیگری از استثمار کودکان می باشد. در حال حاضر سالانه بیش از چهار هزار مورد ازدواج در کودکان زیر ۱۸ سال در ایران ثبت می شود. بیشتر ازدواجهای کودکان نتیجه فقر اقتصادی و فقر فرهنگی و وجود نابرابریها و شکافهای طبقاتی در جامعه است. اغلب این ازدواجها مربوط به دختران و کودکان زیر ۱۸ سال می باشد. این افراد قبل از اینکه انتخاب عقلانی پیدا کنند، تحت فشار ناهنجاریها قرار گرفته و تن به ازدواج داده اند. یکی دیگر از هنجارهای اخلاقی و اجتماعی کودک آزاری و آزار جنسی کودکان است هر روز صدها و شاید هزاران کودک در ایران و سراسر جهان از سوی افرادی که بیماریهای روانی انحرافات اخلاقی مبتلا هستند قربانی خشونت کودک آزاری می شوند.

هر سال بیش از سه میلیون کودک از درس و تحصیل باز می مانند. بیشتر این کودکان که از آموزش و پرورش محکوم می گردند قربانی اوضاعی هستند که به سلامتی و آسایش آنان آسیب می زند. در بعد جهانی بیش از یک و نیم میلیون کودک در جهان بی خانمان و تعداد زیادی از عدم امنیت قضایی رنج می برند. بیش از ۱۶۸ میلیون کودک کار حتی الامکان به کار حقوق کودک سال ۱۹۸۹ می

گرفتن آنان در تمامی زنجیره ها از کشاورزی گرفته تا تولید خدمات و ساخت و ساز و تا جذب گروههای مسلح و شرکت در باندها دارد. در جامعه ما گسترش آشکار کودکان کار نشاندهنده تغییر جامعه هدف، اعتبار و بی سوادی، بزه، فقر، فساد، فحشا، بیماری و انواع بلاهای دیگر از بزرگسال به کودکان است. فرجام سخن اینکه اگر چه هنرمندان، نویسندگان، روشنفکران، دستمداران و فعالان حقوق کودک و سازمانها و نهادهای انسان دوست حقوق بشری در مقابل زندان و حصر و اعدام و قصاص و تراژدی کشتار و خشونت بی حد و حصر کودکان و سو استفاده های جنسی سکوت نکرده اند اما هنوز لازم و ضروری است که برای یک دنیای بهتر کودکان، اقدامهای مثبت ترو منسجم تری در اعتراض به وضعیت وخامت بار کودکان برداشته شود. امید که با رفع خلاهای موجود رویکردی تازه در حمایت از حقوق کودکان در ایران و جهان شکل گرفته و انسان مداری و حفظ حرمت حقوق بشر از بدو تولد دستمایه رشد و توسعه قرار گیرد. با امید به گسترش صلح و دوستی شاد و خلاق برای یکایک جهان

بهنام ابراهیم زاده. فعال حقوق کودکان. عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان. زندان رجایی شهر مهر ماه ۹۵

تجمع اعتراضی علیه دولت

در دهستان شاهینی از مناطق شهر کامیاران مردم "شاهینی" علیه بخش مواد مخدر که از طرف دولت به صورت علنی بخش میشود دست به تجمع زدند.

بخشهایی از گزارشی از اعتصاب دو ساعته کارگران کارخانه نوشابه سازی زمزم کرمانشاه

بر اساس خبر دریافتی روز دوشنبه ۱۲/۷/۹۵ کارگران شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه، شامل بخشهایی از تولید و قسمت هایی از شرکت مانند پیمانکاری ها، شرکتی ها و رانندگان قسمت فروش به دلیل تاخیر دستمزد ماهیانه و مساعده و پاداش های معوقه، با هماهنگی و تصمیم قبلی دست به يك اعتصاب دو ساعته زدند.

این اعتصاب در اعتراض به عملکرد مدیریت شرکت در یکی دو

سال اخیر و نسبت به تغییراتی که در شرایط کار و تقسیمات جدا کردن بخش هایی از کارگران و عدم پرداخت حق و حقوق و عیدی و پاداش، آغاز گردید. کارگران از ساعت ۸ صبح جلوی درب شرکت زمزم تجمع کرده و تصمیم می گیرند که جلوی ورودی را بگیرند و نگذارند نگهبانی درب را برای مدیران از جمله مدیر عامل و مدیر امور مالی باز کند و مانع ورود آنها شوند تا مصرانه خواسته های خود را مطرح کنند. پس از آن بود که حراست شرکت وارد این کارزار می شود و شروع به تهدید و ترساندن و متفرق کردن کارگران می کند و به معترضین اعلام می کند که این کار شما سیاسی است و نمی توانید هیچ کاری انجام دهید و تصمیم از بالا گرفته شده و کار را سیاسی نکنید.

اما همزمان با ورود مدیر امور مالی، کارگران جلوی ماشین او را گرفته و از ماشین پیاده می کنند و مانع ورود او به شرکت می شوند. مدیر مالی وحشت زده در میان حلقه کارگران با "چشم چشم گفتن، شما بروید سرکار، مسئله را حل می کنیم، اینجا زمزم است، مال رهبری است و کار را سیاسی نکنید، قول می دهم در اولین فرصت به تمام مشکلات جواب مثبت بدهیم و آنها را اجرا کنیم" پاسخ کارگران را داد. اما کارگران خواسته ها و مشکلات خودشان را بیان نمودند و گفتند که ما اینجا کار و زندگی می خواهیم و نمی خواهیم شرکت را به سوی تعطیلی و رکود بکشانیم و تا مدیر عامل نیاید و خواسته های مان را همین امروز جواب ندهد، سر کار نمی رویم. در غیر این صورت تمام دستگاه ها را از فردا خاموش می کنیم و به اعتصاب بلند مدت دست می زنیم.

همزمان عوامل مدیریت به مدیر عامل اطلاع داده و او را از آمدن به شرکت منصرف نموده و گفته بودند که خطرناک است و به خاطر حفظ آبرو، تا پایان ساعت اداری به شرکت نیاید. در این میان نقش شورای اسلامی که چهار نفر می باشند، دو گانه و متفاوت بوده و دو نفر از آنها که توسط ریاست شورای عالی کار انتخاب می شوند و همسو با خانه کارگر هستند، همراهی و حضوری در این اعتراض

یادداشت‌های هفته

عبدل گلپریان

مجوز بی مجوز

گفته میشود که "مقامات رژیم در میروان به تجمع و تظاهرات روز پنجشنبه مجوز نداده اند".

مردم شهرهای کردستان و سراسر کشور هیچگاه منتظر مجوز نبوده اند تا اعتراض خود را بیان کنند.

پیداست که تجمع و تظاهرات برحق مردم هیچگاه مورد قبول نهادها و مسئولین حکومت اسلامی نبوده است. دادن مجوز و باز شدن کوچکترین روزنه ای برای ابراز خشم و تنفر مردم تیشه به ریشه کل نظام اسلامی خواهد زد.

مردم میروان میتوانند با اقدامات ابتکاری و بدون توجه به عریده های استاندار، فرماندار و نماینده مجلس رژیم تجمع و تظاهرات خود را در اعتراض به نا امنی جاده میروان به هر شکلی که بخواهند نشان دهند.

اعتصاب عمومی مردم نیازمند هیچ مجوزی نبوده و نیست. مردم میروان و فعالین کمیین اعتراضی با ابتکارات خلاقانه میتوانند تصمیم پنج شنبه خود مبنی بر رساندن صدای اعتراض خود به همه جا را چه با تجمع، تظاهرات، اعتراض و اعتصاب عمومی به اجرا بگذارند.

مردم میروان راه نشان می دهند کارگران کولبر مرزی: فراخوان به اعتصاب عمومی در بانه

دو حرکت اعتراضی و کوبنده مردم مبارز شهر میروان در روزهای سه شنبه ۱۳ مهر و پنجشنبه ۱۵ مهر به عدم امنیت جانی درجاده میروان سنندج و جاده میروان سقر و در ادامه حرکتی اعتراضی تا کنونی با جسارت و شهامت کم نظیری به نمایش گذاشته شد و عرض اندام کرد. وزیر راه، استاندار کردستان، فرماندار میروان، نماینده رژیم در مجلس اسلامی همپای نیروی انتظامی بصف شدند تا با وعده و فریب مانع از اعتراض بحق مردم معترض و خشمگین شوند اما ناکام ماندند. در تظاهرات و

اعتراضات روز پنجشنبه، مردم مبارز میروان سد نیروهای امنیتی و سرکوب رژیم را شکستند و نشان دادند که خشم و اعتراض آنان قادر است صف نیروی انتظامی را کنار بزنند. تجمع و تظاهرات روز پنجشنبه مردم میروان کوبنده تر و گسترده تر با شرکت هزاران نفر تا نیمه های شب ادامه داشت. مردم میروان همچون هر اعتراض دیگری که در ماهها و سالهای گذشته تا کنون از خود نشان داده اند، پیشقراول این حرکت انسانی برای حفاظت از جان شهروندان شدند. در جریان این تظاهرات ماموران سرکوب رژیم تعدادی از شرکت کنندگان همراه با چند نفر از فعالین کمپین اعتراضی را دستگیر کردند. روز جمعه ۱۶ مهر مردم میروان برای آزادی دستگیر شده گان و برای رسیدگی به وضعیت جاده میروان از سوی کردستان حکومت، تجمع و تظاهرات خود را ادامه خواهند داد.

اعتراض به وضعیت نا امن در جاده میروان تنها ویژه جاده میروان نیست بلکه سالانه صدها نفر از شهروندان در سراسر کشور بدلیل خرابی جاده ها، عدم برخورداری از استانداردهای عبور و مرور خودروها جان خود را در جاده های مرگ از دست میدهند. مسئله نا امنی جاده امری سراسری در ابعاد جغرافیای ایران است که میتواند بشکل يك کمپین اعتراض سراسری علیه لاقیسی و بی توجهی کاربدستان حکومت اسلامی بمیدان آید.

در این مرحله از حرکت اعتراضی مردم میروان چند مسئله حائز اهمیت است. خواست آزادی دستگیر شده گان. هرچه زودتر باید دستگیر شده گان تظاهرات روز پنجشنبه در میروان بدون قید و شرط آزاد شوند. ادامه تجمع و اعتراضات مردم علاوه بر پیگیری خواست اصلی آنان مبنی بر رسیدگی جدی و فوری به جاده میروان، تجمع و اعتراض در مقابل فرمانداری و دیگر نهادها برای آزادی دستگیر شده گان را نیز می طلبد. کارگران کولبر مرزی در فراخوانی از مردم شهر بانه و از کسبه و مغازه داران خواسته اند که

روز شنبه ۱۷ مهر در پاسخ به این فراخوان دست به اعتصاب عمومی بزنند. فراخوان کولبران مرزی در اعتراض به تیراندازی ماموران رژیم اسلامی بسوی آنان، عدم امنیت در کار و زندگی شان، عدم برخورداری از کار یا بیمه بیکاری، برسمیت شناخته نشدن شغل کولبری که از سر ناچاری به آنان تحمیل شده و دهها خواست دیگر از مطالبات کارگران کولبر مرزی است.

حمایت و پشتیبانی از ادامه اعتراضات و تظاهرات مردم میروان و حمایت و پشتیبانی از فراخوان کارگران کولبر مرزی و اعتصاب عمومی در شهر بانه، وظیفه مبرم و مهم مردم شهرهای کردستان و دیگر شهرها است. اعتراضات مردم میروان و فراخوان اعتصاب و اعتراض کارگران کولبر مرزی در بانه بهمیدگر مربوط و وصل هستند. مسئله امنیت جانی شهروندان محور اصلی این اعتراضات است که مسئله ای عمومی و سراسری در ابعاد کشور است. با حرکتی اعتراضی، با تظاهرات گسترده و اعتصاب باید کاری کرد که مقامات و مفتخوران حکومت اسلامی را وادار به زانو زدن و پاسخگویی به مطالبات مردم کرد. مردم میروان راه نشان میدهند. در همه شهرها و در همبستگی با این اعتراضات با تمام توان باید از آن حمایت کرد.

۱۶ مهر ۹۵

۱۷ اکتبر ۲۰۱۶

تکاپو در وحشت از اعتصاب عمومی میروان

"به گزارش خبرنگار زریوار خیر، منصور مرادی نماینده مردم میروان و سروآباد در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به وضعیت جاده های استان کردستان و حوادث ناگوار هفته گذشته و پیگیری توسط وی از معاون پارلمانی وزیر راه شهرسازی قول مساعد جهت سفر وزیر به استان کردستان داده تا از نزدیک از وضعیت جاده ها بازدید و دستور تسریع در انجام پروژه میروان-سنندج و میروان - کامیاران را صادر نماید. مرادی با درخواست از مردم میروان در خصوص عدم تجمع در شهر میروان، گفت: با توجه به

سفر وزیر راه به کردستان در روز پنج شنبه قول داد: این پروژه حداکثر تا سه سال آینده به اتمام برسد. وی تأکید کرد: مردم میروان تحت هیچ شرایطی تجمع نکنند تا افراد سودجو از شرایط پیش آمده سوء استفاده نکنند. وی تصریح کرد: عدم تجمع و برقرار امنیت و آرامش در جامعه باعث می شود مسئولین میروان-سنندج شود. " باید به این نماینده حکومت اسلامی گفت که، تنها تجمع، تظاهرات و اعتراض مردم میروان میتواند مسئولین مفتخور را وادار به سخن گفتن در مورد وضعیت نابسامان جاده میروان و هر نابسامانی دیگری کند. مردم مبارز میروان ماهیت اینها را میشناسند، و اعتراض و اعتصاب عمومی خود در روز پنجشنبه را با تمام قدرت در پاسخ به منصور مرادی نماینده سرسپرده رژیم در مجلس و در پاسخ به استاندار کردستان، فرماندار میروان و دیگر کاربدستان حکومت بنمایش خواهند گذاشت.

مفتخوران و اوباشان و نمایندگان حکومت اسلامی در میروان به تکاپو افتاده اند. خشم اعتراضی مردم را بخوبی بو کشیده اند. فراخوان اعتصاب عمومی آنان را از لیلین جابجا کرده است. مثنی انگل و مفتخور بی لیاقت که در رکاب رژیم اسلامی شریک نا امنی و عدم آرامش زندگی مردم شده اند، در مقام نماینده تام الاختیار حکومت درس آرامش و امنیت به مردم میدهند.

وحشت منصور مرادی این نماینده تمام عیار تباهی زندگی و کار کولبران مرزی، از مردم میروان خواسته است تا به گفته او "سود جویان سو استفاده نکنند تجمع پنجشنبه را برگزار نکنند." باید به این مزدور حکومت اسلامی گفت که اگر امروز دارد چنین چرندیاتی می بافت بدلیل این است که مردم مبارز میروان با تظاهرات و تجمع اعتراضی کوبنده خود، ایشان، استاندار کردستان و دیگر مقامات حکومت را از خواب بر کرسی دزدی مجلس باندهای اسلامی بیدار کرده اند. سود جویان و غارتگران هستی جامعه شما ها هستید که بجای صرف هزینه پول خود مردم در جهت تامین امنیت و رفاه جامعه، کاری بجز سود جویی ندارید. سودجویان شماها هستید که بنام نماینده با گرفتن باج از کولبران مرزی، با گرفتن باج و گمرکات از قبل عبور تانکرهای نفتکش در مسیر مرز به سود های نجومی دست یافته اید و مرگ و میر عزیزان مردم را برایشان به ارمان آورده اید.

باید از این مزدوران محلی پرسید، چرا وقتی جان چندین انسان بر اثر تصادف با تانکرها و یا بدلیل وضعیت خراب جادهها گرفته میشود توان سخن ندارند؟ چرا وضعیت غیر استاندارد جاده میروان که به قتلگاه مسافران و واژگون شدن تانکرها

تبدیل شده است تا کنون خفقان گرفته اید؟ چرا زمانیکه تانکرها به دلیل خرابی و عدم رسیدگی به جاده ها به تهره ها سقوط میکنند و آب روزخانه ها و سدها که آب آشامیدنی مردم است دچار آلوده میشود هیچگاه صدایتان هم درنیامده است؟

مرادی میگوید: "عدم تجمع و برقراری امنیت و آرامش در جامعه باعث می شود مسئولین موظف به پیگیری پروژه جاده میروان-سنندج شود." باید به این نماینده حکومت اسلامی گفت که، تنها تجمع، تظاهرات و اعتراض مردم میروان میتواند مسئولین مفتخور را وادار به سخن گفتن در مورد وضعیت نابسامان جاده میروان و هر نابسامانی دیگری کند. مردم مبارز میروان ماهیت اینها را میشناسند، و اعتراض و اعتصاب عمومی خود در روز پنجشنبه را با تمام قدرت در پاسخ به منصور مرادی نماینده سرسپرده رژیم در مجلس و در پاسخ به استاندار کردستان، فرماندار میروان و دیگر کاربدستان حکومت بنمایش خواهند گذاشت.

۱۵ مهر ۹۵

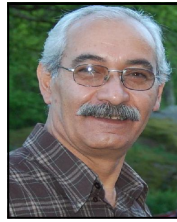
کنسرت در قم، شکاف در میان فتوا دهندگان!

بنا به گزارش خیرگزاری ایلنا، "عباس دانشی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، از سمت خود استعفا داد و علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، استعفای او را پذیرفته است. استعفای دانشی ۱۰ روز پس از آن صورت می گیرد که برگزاری يك کنسرت موسیقی در شهر قم خشم تعدادی از روحانیون این شهر را برانگیخت. محمد یزدی، رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از روحانیون ارشد در جمهوری اسلامی، یکی از کسانی بود که به شدت به برگزاری این کنسرت واکنش نشان داد. دانشی در دفاع از خود گفته است که این کنسرت کاملاً با موازین اسلامی سازگار بوده است فقط در پایان کنسرت خانمها حجاب اسلامی را رعایت نکرده اند."

.....

صدای هر گونه ساز، جمع شدن

چرا معلمان و مردم معترض و ناراضی در کردستان عراق چنین هشدار می‌دهند؟



عبدل گلپریان

روز یکشنبه ۹ اکتبر معلمان ناراضی و معترض در شهر اربیل و شهر کرکوک کردستان عراق و در ادامه تجمع و راهپیمایی هزاران نفره معلمان، کارمندان و حقوق بگیران که با حمایت دانش آموزان، دانشجویان و مردم، تحت عنوان "جبهه ناراضی مردم"، در شهرهای سلیمانیه، رانیه، که لار، حلبچه، راپه رین، سید صادق، قلعه دزی، کویه و بسیاری از شهرهای کردستان عراق در روز ۲۷ سپتامبر و با طرح خواست و مطالباتی چون: پرداخت حقوقهای معوقه ماههای قبل، پرداخت بوقع حقوق کارمندان و مزدبگیران، لغو پس انداز بخشی از حقوقها که هر ماه از دسترنج مزدبگیران توسط دولت اقلیم کسر میشود، شفافیت در فروش نفت، لغو شهریه صد هزار دیناری از دانشجویان، لغو مجازات معلمان به بهانه عدم حضور در مدارس، استقلال دادگاهها و بسیاری مطالبات دیگر طرح گردید و برگزار شده بود، دست به تجمع اعتراضی زدند. پیشتر و در جریان تجمع و تظاهرات معلمان در روز ۲۷ سپتامبر که در سلیمانیه و شهرهای دیگر برگزار شد، تحت تاثیر اقدامات بازدارنده "اتحادیه معلمان" که اتحادیه ای زرد و رئیس آن از افراد حزب دمکرات کردستان عراق (بازرانی) است، در اربیل و کرکوک و در هماهنگی با اعتراضات سراسری، این تجمع اعتراضی صورت نگرفت.

در جریان تجمع و تظاهرات روز ۲۷ سپتامبر، بجز حزب دمکرات کردستان عراق، چهار حزب پارلمانی دیگر (اتحادیه میهنی، گوران، اتحادیه اسلامی و کومه ل اسلامی) تحت عنوان حمایت از خواست معلمان نمایندگان را به این تجمعات فرستاده بودند. با اینکه این چهار حزب نیز در کنار حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی بخشی از صورت مسئله، نه تنها در رابطه با اعتراضات معلمان بلکه بانی و مسبب فلاکت عمومی در شهرهای کردستان عراق هستند، اما حضور نمایندگان این چهار حزب پارلمانی تنها بخاطر رقابت و دعوای آنان

با همدیگر و با حزب دمکرات است که تلاش میکنند در پز اپوزیسیون بر این ناراضیها سوار شده و در تقسیم سود و قدرت هر چه بیشتر بر سر میز مذاکره، سرگرم بده و بستان از یک سو و منحرف کردن اعتراضات و ناراضیهای برحق معلمان و کل مردم شوند.

در همین رابطه معلمان معترض و ناراضی اربیل و کرکوک در روز ۹ اکتبر اعلام کرده اند تا روز یکشنبه آینده نه تنها از حاضر شدن در کلاسهای درس خودداری خواهند کرد بلکه هر روز به تجمع و ناراضی خود در مقابل آموزش و پرورش ادامه خواهند داد. معلمان اعلام کرده اند در صورت عدم توجه و عدم پاسخگویی به خواستههایشان، این تجمعات اعتراضی را ناچار خواهند بود به مقابل پارلمان عراق بکشاند و بخاطر لاقیدی و ظلمی که نسبت به آنان در کردستان عراق روا داشته میشود، فریاد و اعتراضات خود را متوجه حکومت مرکزی عراق خواهند کرد تا بلکه آنان به حکومت اقلیم کردستان عراق فشار بیاورند که به خواستههایشان پاسخ دهد.

قابل توجه آنست که کسانی که فکر میکنند برای رفع ستم ملی در بخشهای دیگر کردستان باید به احزاب ناسیونالیست و قومی دخیل بست باید گفت التیماتوم رجوع به حکومت مرکزی عراق بارها در اعتراضات چند سال اخیر از سوی معلمان، کارمندان و مردم معترض کردستان عراق مطرح شده است. مردم کردستان عراق محق تر از بخشهای دیگر کردستان میبایست از زیر سیطره حکومت صدام حسین خارج میشدند یا استقلال کردستان عراق را طی هر شرایطی اعلام میکردند. با اینکه آمریکا در جریان حمله به عراق در سال ۹۱ این حاکمیت را دو دستی به احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق تقدیم کرد اما وضعیت مردم در این منطقه به گونه ای است که بارها آرزوی دوران قبل از حاکمیت این احزاب را در اعتراضاتشان بیان کرده اند. بیش از دو دهه است پدیده ای بنام ستم ملی در کردستان عراق وجود ندارد اما همانطور که بالاتر

یادداشتهای ... از صفحه ۵

مردم در یک سالن بویژه حضور چشمگیر زنان در کنسرتها، پیکر تمامی آیت الله ها و ستونهای نظام اسلامی را بلرزه در میاورد و دادشان را به هوا میبرد. بخشی از این وحشت و نگرانی بخاطر نفس وجود هر گونه سازی در موسیقی است اما هراس عمیق تر که آنان را بجان همدیگر انداخته و استغفای مدیر کل ارشاد که خود

نیز یک عمامه بسر و از خیل فسیل های اسلامی است را بدنبال داشته است، تره خورد نکردن زنان برای حجاب اسلامی در این کنسرت بوده است.

مردم به هر بهانه ای میکوشند رودرو و چشم در چشم با کاربدستان عمامه به سر و کت و شلوار به تن این رژیم دریفتند. وقتی مکانی چون شهر قم که از منظر آخوندها و مرتجعین اسلامی بعنوان مذهبی ترین شهر محسوب میشود و زنان و جوانان شرکت کننده در کنسرتها حجاب اسلامی را رعایت نمیکند و ای بحال مابقی شهرهای دیگر کشور که زمین را زیر پای فرماندهان اسید پاش داغ کرده است.

از بدو حاکمیت جمهوری اسلامی و بتدریج تا به امروز دو نوع ساختار، دو نوع زندگی و دو تقابل و کشمکش بر جامعه حاکم بوده است. نپذیرفتن اسلام و جمهوری اسلامی از پایین، تلاش برای برگزاری کنسرتها و شرکت در برنامه های شاد، پارتی های

معترض و مردم بستوه آمده در کردستان عراق مبنی بر پناه بردن به حکومت مرکزی قرار داده اند. سیاست، افق و عملکرد احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق آزمون روشن و شفاف برای مردم ستمدیده در مناطق مختلف ایران و مشخصا کردستان ایران است که با دست رد زدن به سینه جریانات، احزاب و نیروهای قومی و مدعی رفع ستم ملی و برای جلوگیری از تکرار چنین سرنوشتی میتوانند آنان را سر جای خود بنشانند.

التیماتوم و هشدار معلمان و مردم ناراضی کردستان عراق مبنی بر برپایی تجمع اعتراضی در مقابل

پارلمان عراق و پناه بردن به بارگاه حیدرعبادی، یک رسوایی بتمام معنا برای احزاب قومی، اسلامی و عشیره ای حاکم بر کردستان عراق است. التیماتوم معلمان نشاندهنده بن بست و افق کور ناسیونالیسم کرد، نشاندهنده بی ربطی احزاب حاکم به منافع مردم ستمدیده کردستان عراق، نشاندهنده چپاول و غارت هستی جامعه و در یک کلام نشاندهنده شکست و برملا شدن ادعاهای پوچ شان مبنی بر دفاع از حقوق "ملت کرد" است. اما التیماتوم و تهدید معلمان برای نا امید شدن از بد و پناه بردن به بدتر قطعاً راه حل مشکلات معلمان و

در پاسخ به کامتهای فیسبوک عبدل گلپریان

آمانج صلواتی: توسعه و رواج چپ چه در سطح جهان چه در سطح منطقه متفاوت بوده و در طول زمان افکار سوسیالیست و چپ که مخالف با افکار سرمایه داری می باشد گسترش پیدا کرده اما از آلمان تا شوروی و دیگر کشورهای که گرایش سوسیالیستی ایجاد شده دچار خطوط فکری زیادی شده اند و بیشتر در درون خود شروع به تضاد باهم نموده و دچار انشعابات و تقسیم بندیها و شاخه شاخه شدنهای سوسیالیستی شده و یکی از نقاط ضعف چپ ها رودروری خود قرار گرفتن است علیه خود دشمنی نمودن می باشد و این تمام وقت و زمان سوسیالیست ها را گرفته به جای آنکه لبه شمشیر را به طرف دشمن سرمایه دار " بگیرند لبه آن را به طرف دوستان سوسیالیست خود گرفته اند و این تمام وقت و انرژی سوسیالیست ها و چپ ها را گرفته ، اگر این حرکت آنها در مقابل دشمن بود خیلی بهتر می توانست عمل کند. اما دودستگی، اختلاف، عدم قبول همدیگر، دشمنی سوسیالیست ها و چپ ها با یکدیگر زمانی برایشان باقی نگارده که به جنگ با سرمایه دار پردازند و اغلب دچار جنگ داخلی می شوند و مسایل حل نشده بسیاری بینشان باقی مانده و این يك تاکتیک اشتباه است اول باید چپ ها با هم متحد شده و اختلافات جزئی را کنار گذاشته و علیه دشمن خارجی " سرمایه دار " بجنگند بعد آنکه پیروز شدند می توانند بنشینند و در درون خود به تبادل افکار و انتقاد پردازند و يك جامعه سوسیالیست بسازند.

اما متاسفانه اول چپ ها با وجود داشتن دشمن خارجی " سرمایه دار " که اطراف آنها را احاطه کرده می خواهند جامعه سوسیالیست را بسازند و بر سرمسایل درونی باهم بجنگند و این باعث در هم شکستن سوسیالیست ها شده و دشمنان خارجی به راحتی در بین آنها نفوذ کرده و با ایجاد دو دستگی و اختلاف آنها را دچار هرج و مرج می کنند و این حرکت پرولتاریا را متوقف میکند

انگار سوسیالیست ها دوستان خودشان را دشمن می دانند خوب انسانها متفاوت هستند و مقداری تفاوت فکری وجود دارد اما هدف اصلی مهم است که در هم شکستن سرمایه دار است و سوسیالیست ها به آن باور دارند و می توانند این هدف مشترک را داشته حرکت خود را شروع کنند تا زمانی که حکومت پرولتاریا برقرار شود.

گلپریان: آمانج گرامی موضوع خوبی را پیش کشیدی و من با اجازه ات نکاتی را در این مورد از منظر خود میگویم.

بنظر من مشکل جریانات و نیروهای سوسیالیست این نیست که گویا اگر با هم متحد شوند همه چیز درست خواهد شد. آنچه که من از یادداشت تو فهمیدم مسئله نیرو، نفقات و یکدست بودن همه نیروها و کسانی که خود را سوسیالیست میدانند و ساعتها و یا روزها بحث و تبادل فکری و نظری کنند گویا اتحاد و یا نزدیکی درست خواهد شد. نزدیکی و اتحاد بی گمان قدرت جبهه سوسیالیستها و کمونیستها را قوی میکند و خیلی هم خوب است که کمونیستها و احزاب چپ و سوسیالیست نیروی یکدست و قدرتمندی داشته باشند اما پیش شرط این امر مبارزه فکری و نظری احزاب چپ نیست. بلکه این است که این نیروهای گرد آمده در سازمانها و احزاب چپ خود را جریاناتی دخیل در مبارزه سیاسی، اجتماعی و طبقاتی حی و حاضر در جامعه ببینند، در آن دخالت دائمی داشته باشند و به آن معطوف شوند.

به باور من اگر همین احزاب و نیروهای سوسیالیست و چپ در امر مبارزه روزمره و حاد اجتماعی نظیر جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زنان، جنبش اعتراضی جوانان، علیه اعدام و دهها عرصه دیگر مبارزاتی مردم دخیل نباشند هیچ اتحادی ابتدا بساکن معنی نخواهد داشت و فقط گرد آوردن جمع فیزیکی افراد و نیروهای چپ است که انتهای آن شکننده خواهد بود.

شاید ما من توافق داشته باشی که هر نیروی چپ، سوسیالیست و حتی احزاب راست اپوزیسیون دیگر اهداف سیاسی، اجتماعی و طبقاتی خود را دنبال میکنند. حرفم اینجا این است که در مورد يك یا چند

حزب و سازمان چپ و سوسیالیست، آیا اهدافی بجز تحقق خواست و مطالبات انسانی کارگران و کل جامعه تا رسیدن به قدرت سیاسی چیز دیگری هست؟

بنابراین يك لحظه فرض را بر این بگیریم که تنها يك حزب کمونیست دارد به امر مبارزاتی مردم می اندیشد. خوب اگر اینطور باشد سؤال اصلی این است که این حزب سوسیالیست یا کمونیست مشغول چه امری باید باشد؟ من میگویم باید مشغول سازماندهی، متحد و متشکل کردن مبارزه روزمره و دراز مدت کارگران و کل جامعه برای رسیدن به هدف اصلی یعنی برقراری سوسیالیسم کسب قدرت سیاسی و کنار زدن نظام سرمایه داری باشد.

بر بستر تلاش برای تحقق مبارزه روزمره تا تحقق نهایی چنین جامعه ای است که احزاب و نیروهای متعدد چپ میتوانند پلاتفرمی مشترک و یا حتی برنامه ای مشترک برای یکی شدن تدوین کنند و گر نه نشستن و حرف زدن از مسایل نظری، فکری و تئوریک نه تنها راهکار نزدیک کردن دو تا حزب بهم نخواهد بود بلکه دو نفر نیز بر بستر اختلافات فکری و اینکه سوسیالیسم کدامشان برحق هست یا نیست ابدا به توافق نخواهند رسید.

سخن را کوتاه میکنم و در يك جمله این نتیجه را میگیرم که اتحاد و نزدیکی احزاب و نیروهای سوسیالیست و کمونیست و حتی یکی شدن آنها تنها بر بستر خواستها و مبارزات جنبشهای اجتماعی و در راس آنها منافع طبقاتی کارگران قابل تعمق است و موضوعیت دارد نه از سر مسایل نظری، فکری و تئوریک. امری که شاید متاسفانه هنوز برخی از نیروهای بنام چپ خود را معطوف به مبارزات حاد و روزمره در درون جامعه نمیدانند و فکر میکنند با جمع شدن فیزیکی چند سازمان آنها بر اساس میزان دوری و نزدیکی افکار و نظراتشان میتوانند کاری صورت دهند.

مجددا دستت درد نکند برای طرح این موضوع

از صفحه فیسبوک سیامک شاعی:

اوج توحش ناسیونالیسم درنده خوی فارس ایرانی! شرط بندی بر سر

چرا معلمان و مردم...

از صفحه ۶
مردم کردستان عراق نیست. تنها با دادن به زندگی فلاکت بار در جامعه کردستان عراق، طرح و مطالبه خواستها و مطالبات روزمره شان، طرح مستقلانه جدی و توده ای خواست استقلال کردستان عراق بدون دخالت احزاب حاکم، میتواند توسط خود مردم و با اتکا به ساختار شوراهای و نمایندگان منتخب بخشهای مختلف مردم در این ساختار تعیین تکلیف شود. در ایران نیز مردم منتسب به ملیتهای مختلف که سالها است مورد ستم

مسافت دودین اجساد بی سر! دادند به طوری که این بار جسد بی سر توانست یکی دوقدم بیشتر بدود، خلاصه این عمل سبعانه ادامه پیدا کرد تا اینکه يك بار سرهنگ خودش شخصاً در این عمل شنیع شرکت کرد و این بار خود مسئولیت گذاشتن طوازه آهنی تفته را روی گردن محکوم قبول نمود ولی چون او به موقع نتوانست طوازه را روی گردن بریده قرار دهد، لذا وقتی جلاد سر

محکوم را از تن جدا کرد خون از گردن محکوم در حدود يك متر فواره زد و سر و روی او و همه اطرافیان را خونی کرد.

پس از این که چند نفری از جوانان با این وضع فجیع کشته شدند، فکر تازهای در مغز دیوانه سرهنگ خطور کرد تا بر سر مسافت دودین اجساد بی سر شرط بندی کنند و بر سر تعداد قدمهایی که اجساد می توانند بدون برد و باخت راه بیندازند.

"خلاصه این جنایت بارها و بارها تکرار شد تا آنجا که بالاخره اجساد و سرهای همه محکومین هر کدام يك طرف روی زمین تلمبار شد. گفتمی است که هربار که این عمل وحشیانه انجام می شد خود سرهنگ و افسران و درجه داران و سایر افراد مثل تماشاچیان مسابقه فوتبال با دست زدن و هورا کشیدن و هلهله دوندگان را تشویق می کردند که قبل از افتادن هر چه بیشتر بدوند."

پیرمرد که از فرط خشم و غضب صورتش به زردی گرانیده بود مکتی کرد و من از این فرصت استفاده کردم و پرسیدم: "خوب، بالاخره در این

در پاسخ به ...

از صفحه ۷

مسابقه دو اجساد، برنده چه کسی بود؟

او چند دقیقه‌ای سکوت کرد سپس گفت: "سرهنگ در اغلب شرطبندی‌ها، برنده شد: فکر می‌کنم فقط در یکی از شرطبندیها که جسد توانست ۱۵ قدم بدود، هزار ریال برنده شد."

من مجدداً رو به او کرده پرسیدم: سرهنگ بعد از این ماجرا چه کرد؟ او در پاسخ به این سؤال چنین گفت:

"خوب معلوم است که چه کرد، او دستور داد همه گاوها و گوسفندان و اسب و الاغها و سایر اغنام و احشام ما را ببرند و روز بعد چند کامیون آوردند و همه اسباب و اثاثیه و بالاخره همه دار و ندار ما را از قبیل قالی‌ها و سماورها و بشقابها و طلاآلات و زینت‌آلات و لباس‌های ما را بار کامیون کردند و بردند."

پرسیدم: "تو در این گیرودار چه کردی؟"

جواب داد: "من خودم را به طرف چشم‌آبی که داخل دره کوچکی قرار داشت کشیدم و زخم خود را شستشو دادم. من آنقدر ضعیف شده بودم که دو شب تمام قدرت حرکت را نداشتم تا این که روز سوم قدری حالم بهتر شد و توانستم روی پای خود بایستم و اجساد را به سختی و زحمت زیاد دفن کنم. همه مردها و زن‌ها و بچه‌های ما بلا استثناً کشته شده بودند و لاشخورها گرد آنها جمع شده بودند. بطوری که من برای دفن کشته‌ها مجبور بودم آنها را از اطراف اجساد دور کنم."

مجدداً پرسیدم: "بعد از آن برای سرهنگ چه اتفاقی افتاد؟"

او در پاسخ با نفرت و تحقیر غیر قابل وصفی گفت:

"سرهنگ؟! ایشان به پاداش شاهکارهایی که در لرستان انجام داده بود، به درجه ژنرال ارتقا یافت و بعدها هم وزیر جنگ شد."

پرسیدم: "آیا او هنوز زنده است؟" او در جواب گفت: "بله زنده است و در تهران زندگی می‌کند. او اموال غارت شده از دهات ما را بار کامیون‌ها کرد و به غنیمت برد." بله آن سرهنگ امروز به تیمسار

امیراحمدی قصاب لرستان معروف است

گلپریان: سیامک عزیز ناسیونالیسم "فارس، کرد، بلوچ، آذری، لر" و غیره را به خوب و بد تقسیم کردن باز هم ناسیونالیسم دیگری از سر بیرون می‌آورد. ناسیونالیسم، خاک و وطن پرستی، ارجعیت بخشی بر بخش دیگری باز هم ناسیونالیسم است. مثلاً "ناسیونالیسم فارس" یا "ناسیونالیسم کرد" و غیره در آنچه که تاریخ یا امروز چه بر سر مردم آورده اند پاسخ معضلات کل مردم و جامعه نیست. ناسیونالیسم در هر لباسی در کنار مذهب و مشخصاً اسلام در منطقه با تقسیم بندی به ملیت‌ها و در سیمای احزاب سهم خود برای رسیدن به منفعت و قدرت را طلب میکند.

به باور من نباید برای کوبیدن بقول شما "ناسیونالیسم فارس" خواسته یا ناخواسته در جبهه ناسیونالیسم "مورد ظلم واقع شده" افتاد. افکار و افق و اهداف سیاسی ناسیونالیسم بمعنای اخص کلمه سمی است که این ناسیونالیسم بمعنای برتری خود از هر نظر (نژاد، مذهب، زبان، لباس، تاریخ و غیره) دوست دارد که مردمان منتسب به فارس، لر، کرد، آذری و غیره همچنان با این اسامی و نامها باقی بمانند تا بتوانند از قبل آن تغذیه کنند.

آنچه که میتواند در تقابل با تمام شاخه‌های مخرب ناسیونالیسم که امروز به قوم پرستی رجعت کرده اند قرار داد این است که جبهه انسانیت، جبهه چپ و کمونیسم بگوید من خود را نماینده و سخنگوی آن مردم و کل جامعه در مقابل همه جریانات قومی، ناسیونالیستی و مرتجع میدانم. آن کسیکه به زبان فارسی تکلم میکند و امروز در قلب تهران در مقابل ناسیونالیسم کرد، آذری و غیره شعر و آهنگ میسراید و از منافع مردم مثلاً لرستان دفاع میکند چرا باید "بجرم" "فارس بودن" مورد لعن و نفرین واقع شود؟ یا برعکس چرا آدم یا آدمهایی در مثلاً لرستان یا کردستان و غیره درست طی این چند سال در خدمت به رژیم اسلامی و یا خدمت به شونیسیم فارس ذره ای کوتاهی نکرده اند باید آب پاک

بردستانشان ریخته شود؟.

سخن را کوتاه کنم. خواستم در این بحث و کلامی که در مورد آن موضوع گذاشته بودی بسهم خودم دخالتی کرده باشم. تقویت حس انسانی و ارجعیت انسان و پای فشرده بر منفعت انسان میتواند سر راست در مقابل تمامی بوجونها یا رویکرد مخرب ناسیونالیسم با هر شکل و شمایی که دارند قرار داده شود. برایت شادی و تندرستی آرزو میکنم.

سیامک شاعسی: عبدالجان و رفیق قدیمی خودم با تشکر از توضیحات اینکه ناسیونالیسم بطور ریشه ای جریانی است ارتجاعی بحثی نیست. اینجا بحث بر سر تعیین تکلیف کردن یا یک جریان کاملاً شونیستی و فاشیستی در برخورد به سایر اقلیتهاست. ببین آلمانیها بعد از جنایات ناسیونالیسم برتری طلب آلمانی و نازیستها است چه از لحاظ حقوقی و سیاسی با جنایات آن هر چند نیم بند تعیین تکلیف و تسویه حساب کردند. ناسیونالیسم و شونیسیم ایرانی نه تنها با تاریخ ۲۵۰۰ ساله پر از جنایتش تعیین تکلیف نکرده است بلکه خود چه در ظاهر چپ و راستش مبلغ و نماینده آن است. اینان در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان دوباره این جنایات را کردند. خوب حالا برای من یک نمونه از این تعیین تکلیف و تسویه حساب پس دادن آنها رو رو به مردم این مناطق نشون بده. متأسفانه دترمینیسم اقتصادی جریانات چپ در غالب ایرانیت و تمامیت ارضی تمام سطوح چپ ایرانی رو فتح کرده. ناسیونالیسم بازتاب و نشانه عقب افتادگی و فقر اقتصادی و اجتماعی این جوامع است. نیروها و منابع کار و طبیعی این مردم رو دارند هر روز تاراج میکنند حتی به آب خوردنشان هم رحم نکردند. جواب ناسیونالیسم برابری مردم این مناطق و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و اقتصادی آنها است. دوست داشته یا نداشته باشیم این معضلات در لرستان و کردستان و خوزستان و بلوچستان و ترکمن صحرا وجود دارند. با صرف شعارها و واژه‌های پرطمطراق همیشه جواب این مسائل رو داد. آنها به صورت عملی به مسئله فقر و بدبختی مردم این مناطق نگاه کنیم.

به کولبران در کردستان و ایلام و کرمانشاه. خوب این نتیجه چه سیاستهایی است. عبدالجان همانطور که گفتیم تا وقتی که احزاب و جریانات چپ به شونیسیم و ناسیونالیسم ایرانی پوئن میدهند و تا وقتی که احزاب و چپ ایرانی مشغله شان کرنش در مقابل قدرت گزایی مرکزی است ما شاهد این جنبشها و حرکتها حال در بعد ناسیونالیسم آن خواهیم بود. نکته اصلی در اینجا این است که جواب من کمونیست به این معضلات چی است؟. همانطور که گفتیم با شعار صرف آزادی نمیشه شکم این مردم و مشکلاتشان را حل کرد. تا وقتی که کارگر لر و کرد و بلوچ و افغانی در سیستم ایرانیت سیاسی و اقتصادی کار ارزان است این مناطق هم جزو مناطق عقب افتاده خواهند ماند. جان کلام این است عبدالجان با شعار و عبارات نمیشه نه جوابی به این مشکلات داد و نه شکم مردم رو سیر کرد و نه از کشته شدن کولبر زحمتکش جلوگیری کرد. محور گزایی ایرانی و ایرانیت رو باید کنار گذاشت و در کنار نقد ناسیونالیسم کرد و لر و بلوچ و عرب اندکی هم به نقد ریشه های اقتصادی و سیاسی و تاریخ جنایت ناسیونالیسم ایرانی و بدون تعارف فارس پرداخت. دوسنان فارس ما هم چون آلمانیها این عذر خواهی و تعیین تکلیف کردن با فاشیسم ایرانی و شونیسیم فارس رو مدیونند. ثانیاً من نمیدونم اگه وقتی که ما از ناسیونالیسم فارس حرف بزنیم این کفره انگاری واژه ایست خود. بعضی وقتها لازمه از خودمون سؤال کنیم که منبع این برخورد دوگانه از کجا سر میگیره. در هر صورت ما همیشه مخلص رفیق گل و دوست داشتنی چون تو هستیم. امیدوارم که این بحث کمکی به موضوع کرده باشد.

گلپریان: سیامک عزیز با پوزش که کامنت من به مقاله تبدیل شد. بدون تفصیل و توضیح ابتدا این را بگویم که، اینکه چها پوئن میدهند به راستها و یا اینکه راستها به کی پوئن میدهند یک لحظه بیرون بیائیم و بقول زبان کردی که تو هم بخوبی با آن تکلم میکنی "روت و په تی" بر سر موضوع صحبت کنیم. وقت هست میشود بعداً هم بجان احزاب چپ افتاد. چون تا پایه بحث اصلی

روشن نباشد نمیشود یقه هیچ حزبی را فعلاً گرفت. به آن هم خواهیم رسید.

ببین سیامک جان در کامنت تو راه حل تمام این مصیبتها و همه فجایع حال و گذشته، ارائه راه حلی اقتصادی برشمرده ای. مثلاً اینکه گویا اگر پروسه ای طی شود و به فقر و محرومیت مردم در مناطق محروم ایران رسیدگی شود مشکل حل خواهد شد. اگر جمهوری اسلامی همین امروز پنجاه درصد از فقر و محرومیت مردم در بلوچستان، لرستان، کردستان و... را حل کند، (که امری محال و غیر ممکن است) آیا باید آنرا به فال نیک گرفت؟. اگر اجزایی که خود را نماینده مردم منتسب به کرد و لر و غیره میدانند، از سر منافع اقتصادی مردم محروم این مناطق داد سخن سر میدهند، حقانیت دارند؟ پاسخ از نظر من منفی است. ناسیونالیسم اتفاقاً از سر همین مسئله میخواید تغذیه کند. مثلاً جریانات ناسیونالیست بلوچ، آذری، عرب زبان و منطقه کردستان از بدو پیدایش شان گفته اند که باید در مناطق ما رشد، توسعه، شکوفایی اقتصادی و غیره صورت بگیرد. ظاهر این مطالبات هر آدم ساده ای را شیفته خود خواهد کرد. اما ناسیونالیسم تمام این رونق و رشد و رسیدگی به محرومیت مردم را در حیطه اختیارات سیاسی در قلمرو خود مطالبه میکند نه توسط نمایندگان یا شوراهای مردم.

میخواهم بگویم پاسخ معضلات جامعه ایران و محرومیت ملیتهای منتسب به فارس، لر کرد و غیره ابتدا پاسخی اقتصادی نیست بلکه پاسخی سیاسی است. باید جمهوری اسلامی را انداخت، باید ابتدا این رژیم را که نه تنها مناطق محروم کشور بلکه سراسر جغرافیای ایران را به محرومیت کشانیده است به زیر کشید.

فعلاً احزاب چپ را (آنها بخاطر مد شدن حزب گریزی و تشکل گریزی هنوز اینجا و آنجا خودنمایی میکنند بناریم کنار).

من نوعی در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی به کسانی چون تو و امثال تو که میخوایند یک جامعه آزاد به معنای سیاسی، برابر به مفهوم اقتصادی و انسانی به معنای

در پاسخ به ...

از صفحه ۸

کنار زدن نژاد و قوم پرستی را پایه ریزی و اداره کنند رای خواهم داد. در هر حال خواستیم این را گفته باشم که هزار و یک درد مردم در هر گوشه ای در این کشور راه حل اقتصادی آنگونه که در کامنتت در جواب به من نوشته بودی ندارد. بلکه پاسخ سر راست سیاسی است. یعنی اول (حال با هر شکل و شیوه ای آنها از پایین و توسط مردم) باید جمهوری اسلامی را انداخت. آنگاه میستوان بسراخ راه حل اقتصادی رفت. آنوقت هم نیازی نیست هر منطقه ای بفکر رونق اقتصادی محدوده خود باشد چون باز هم تبعیض و نابرابری از آن سر بیرون میآورد. بلکه حقوق برابر شهروندی راه حل زدن تو دهنی به هر حزب و جریان و حتی حکومتی است که بخواهد بشکل تبعیض آمیز با مردم رفتار کند.

آیا اگر مردم لرستان مثلا به خودمختاری برسند و حاکمیت در دست احزاب متعلق به لر باشد و ده درصد از مردم فارس زبان یا ترک زبان در همین لرستان به خودمختاری رسیده فرضی نسبت به بی حقوق نسبت به خود معترض باشند و بگویند ما هم در درون منطقه خودمختار لرستان حکومت خود را میخواهیم برقرار کنیم، چه جوابی به آنان خواهیم داد؟ یا باید توسط آن حکومت محلی خودمختار سرکوب شوند یا آنها هم با زور اسلحه و جنگ برای یک قبیله فدرال در دل لرستان خودمختار عرض اندام کنند و اگر تازه نتوانند موفق هم شوند ما را به بازگشت به دوران حکومتی قبایل و طوایف باز نخواهند گرداند؟

من اگر خود را چپ بدانم و به نیروهای چپ و احزاب کمونیست نقد داشته باشم بی گمان آنقدر انصاف بخرج خواهم داد که به اندازه نقد به آن چپ، علیه ناسیونالیسم در هر شکل و قامتی هم حرف بزنم. متاسفانه چپی متفرق وجود دارد که آن اندازه که به نیروهای کمونیست (حال با هر ضعف و ایرادی که داشته باشند) حساسیت بیشتر بخرج میدهد تا نسبت به ناسیونالیسم و قوم پرستی. حکومت اقلیم کردستان بیش از

دو دهه است از نظر زبان، بقول خودشان "نژاد شیر"، لباس، فرهنگ و غیره از خود مردم است. اما همین حکومت خودی که دیگر در آن ستم ملی وجود ندارد یعنی حکومت مرکزی صدام یا عبادی بر آنها حاکم نیست و ستم نمیکند، دمار از روزگار مردم درآورده است.

از سال ۲۰۰۹ تا به امروز مردم در صدد انداختنش هستند. در بهترین حالت احزاب ناسیونالیست کرد در مناطق مختلف ایران اگر قدرتی بدستشان بیفتد همان کپی بارزانی و طالبانی خواهند بود. آیا واقعا باید مردم در مناطق مختلف ایران برای رونق اقتصادی نسلی دیگر از صافی این نوع از حکومتی محلی عبور کنند؟ امیدوارم توضیحاتم اینبار اندکی روشن بوده باشد.

آرام گرگین: من به بحث رفیق سیامک سمپاتی دارم. ۱. متاسفانه حزب متبوع رفیق عبدال آنتی ناسیونالیسم ملت‌های تحت ستم هست اما پرو ناسیونالیسم فارس و یا غالب هست. ۲. متوجه این نیستند که جنبش‌های ملی که در ایران مبارزه کرده اند تاریخا دموکراتیک و مترقی بودند. اینکه در کردستان عراق دو حزب ناسیونالیست کرد حکومت میکنند اتفاقا نشانه بی درایتی و بی لیاقتی چپ آنجا بود که نتوانستند پتانسیل مترقی و دموکراتیک آن جنبش را درک کنند و نگذارند بارزانی و طالبانی دست بالا بگیرند و از جنبش مترقی کرد سواستفاده کنند. آن چپ غالب در آنجا متاسفانه نه تحت تاثیر کومله قدیم بلکه تحت تاثیر رهبران فکری رفیق عبدال بود. ۳. نمونه برجسته دیگر آن کردستان ایران بود اگر این تفکر رفیق عبدال غالب بود باید کومله بساطش را جمع میکرد و مثل جریان رفیق عبدال فرار را برقرار ترجیح میداد. در آنصورت دموکرات بود و جمهوری اسلامی و احمد مفتی زاده و ... اما کومله نه فقط توانست از پتانسیل جنبش انقلابی کردستان استفاده کند بلکه یک جنبش مقاومت سازمان داد. رفیق عبدال آن دوران خوشبختانه تحت تاثیر افکار ناسیونالیسم فارس نبود در صف کومله بود و به همین دلیل برایش احترام ویژه دارم.

گلبرسان: آرام گرامی دنیای واقعی خارج از ذهن من و تو هر چند برای هر کسی تلخ باشد اما حقیقت دارد. اینکه تفکر من را " پرو ناسیونالیسم فارس" بیان کرده اید، اندکی به خود زحمت دهید و مطلب، کامنت، مقاله، عملکرد و جمله ای از من در طول تاریخ چهار دهه را بعنوان سند به خواننده نوشته ات نشان دهید که کسی حرفتان را بپذیرد. نمیشود هر کسی به اختیار خود و بنا به تراوشت فکری و ذهنی خود به هر کس یا هر جریانی که مورد قبول و پسندش نیست بتازد.

شما متاسفانه بجای گفتن و نوشتن از واقعیت دنیای بیرون در جامعه و در درون جنبش‌های اجتماعی، بسیار ایدئولوژیک و از موضع راست به شخص من حمله میکنید. من و حزب من را جای دیگری مورد تعرض قرار بده اما چهار کلمه از روندهای تاریخی، روند وقایع امروز و راه‌های آن بگو که خواننده جملات شما به آنچه که میگوید سمپاتی داشته باشد. متاسفانه افتخار جریانات مدعی دمکرات بودن و باد زدن عرق ناسیونالیسم این است که اگر به کمونیست‌ها نتازند چیزی برای گفتن ندارند. توصیه اکید من به شما این است که فارغ از مواضع هر حزب چپ و راستی لطف کنید قائم بذات طرح و راه حل خود را برای برون رفت از وضع موجود بنویسید و مکتوب کنید. شاید آنوقت بهتر بشود روی صورت مسئله چیزی گفت و باز هم متاسفانه کامنت شما نپرداختن به موضوعی است که سیامک نوشته بود.

تلاش برای پاک کردن صورت مسئله گریز از بحث سیاسی جدی است. واقعا از پیریدن به چپ خسته نمیشوید؟ برای خودت خوب نیست. بسیار هم ممنون که برای من احترام ویژه قائل هستید. برای اطلاع شما باید بگویم که هیچگاه به گرایش فکری کومله در قبال از تشکیل حکا ابدا سمپاتی نداشته ام. بروید کتاب تاریخ یکدوره را مطالعه کنید متوجه خواهید شد.

کومله اگر اعتبار، محبوبیت و جایگاهی روشن و شفاف در جامعه کردستان کسب کرد بعد از تشکیل حزب بود. چه خوششان بیاید چه خوششان نیاید واقعیت تاریخ را از این تاریخ و اما رک راست تر

آندوره این بود. تراوش فکری و نظری نیست بلکه آنچه اشاره کردم سندیت دارد آنها با آدم‌های حی و حاضر و زنده. فکر میکنم اگر احترامی نزد دیگران داشته باشم متاثر از تاریخ زندگی سیاسی ام هست نه چیز دیگری. این را هم به اطلاع شما برسانم که بعنوان سردبیر یک نشریه حزبی (ایسکرا) هر هفته کامنت‌های ضد کمونیستی از سوی انواع گرایش‌های ناسیونالیستی و پاسخ‌های من به آنها را در همین نشریه منتشر میکنم. شما را به شماره هفته گذشته نشریه رجوع میدهم که روی صفحه من موجود است. هدف از این کار در نشریه و میدیای اجتماعی به قضاوت نشان دادن خواننده نوشته‌های دیگران و پاسخ‌های ما به آنها است. در شماره هفته آینده درافشانی شما را هم با کمال میل همراه با پاسخ من به آن را منتشر میکنم که ثبت شده بماند. شاد باشید

سیامک شعاعی: عبدال جان مقوله دولت و حاکمیت سیاسی دو مقوله مجزا ولی در عین حال در ارتباط با هم هستند. اشکال بسیاری از چپ‌های ما این است که هنوز دولت و فونکسیون آنرا با جایگاه حکومت‌های سیاسی بدرستی نفهمیده اند. دولت دولت است و نقشش با این یا آن حکومت تعیین نمیشود. ما در ایران دولت ایران را داریم این دولت در تمامی ادوار ابزار و اهرم اعمال زور و سرکوب و قدرت بوده است. حکومتها میانند و میروند ولی دولت به جای خودش باقی است. اگر شعار گفتن را کنار بگذاریم و اندکی واقعی تر فکر کنیم فردا هم همین حککا اگر به شکلی قدرت را در دست بگیرد، بخواهد یا نخواهد به اهرم سیاسی دولت ایران و آرمانها و اهداف این دولت تشکیل شده. از نظر دیگر به نظر من هر جریان و شخصی هم جنبش سیاسی و اهرم‌تشکیلاتی خودش را دارد و این جنبشها هستند که باید به مصاف هم بروند نه عقاید شخصی و پلیمیکهای فیس بوکی.

برخلاف شما من هیچوقت به حکا معتقد نبودم. برای من گرایش چپ و انقلابی در کردستان و به خصوص کومله محور و ملکه ذهنی من بوده است. حککا و فرارش را از این تاریخ و اما رک راست تر

گفته باشم من به پای و حساب کرنش در مقابل ناسیونالیسم ایرانی مینویسم و همسو شدن آنها را با ناسیونالیسم مدرن و سکولار ایرانی مبینم. نگاه کن عبدال جان شما با همه آثار و اثر انگشت‌های خودتان را که شما را به نحوی به کومه له و جنبش انقلابی مسلحانه ربط میدهد یا از بین برده اید یا در حال از بین بردنش هستید. دلیلش هم این است که شما زمین بازی خود را انتخاب کرده اید. وقتی حزبی با پیشینه ای در جنبش مسلحانه کنار احزاب ایرانی میشیند خوب این به اشکالی و اسش موجب دردسر میشود. شما امروزه به عنوان یک حزب ایرانی و شاید گفت رادیکالترین هم بخشی از جنبش ضد مذهبی ناسیونالیسم سکولار ایرانی هستید و هم سرپیکان رو به نشستن در قدرت با این احزاب نشانه رفته اید.

اینجا بحث بر سر بدیلها و آلترناتیوهای سیاسی است. به نظر من و بر خلاف شما تشکیل حزب کمونیست ایران و حزیت بخشیدن به تشکیلات و گرایش اجتماعی درست آن آب سردی بود که به روی این جنبش چپ، انقلابی و پیشرو ریخته شد.

عبدال جان متاسفانه من هیچوقت آدم حزبی نبودم. اگر یادت هم باشد یکی از دلایل گرفتن عضویت از من در حکا همین بود که من فرد حزبی (بخوان حرف گوش کن) نبودم یا به قول آنها عشایر نظامی کار بودم و البته فراموش هم نکرده ام که تو تنها رفیق و عضو کمیته ناحیه ای بودی که سرسختانه و با شهامت از من در مقابل کمیته مرکزی دفاع کردی و لازم به گفتن نیست که رفاقت تو تا چه حد برای من عزیز و گرامی است. ولی به نظرم وقتی به پای بحث برمیگردیم فکر میکنم رفقای کرد درون حککا در جریان یک استحاله هویتی و هجوم گرایش شونیستی درون این حزب قرار گرفته اند که باید اینچنین گذشته پر افتخار خود و گرایش و تاریخ کومله له همیشه برای من در زندگی، سیاست و رفاقت و انسانیت نقش اولیه و محوری را داشته است. بودن و خود را جزئی از این گرایش و تاریخ دانستن تمام می‌کم

در پاسخ به ...

از صفحه ۹

کاستیهایش از افتخارات من است. موفق باشی و به امید دیدار تو رفیق خوبم

کلیریان: سیامک عزیزم ابتدا

بگذار تکلیف یک مسئله را روشن کنم. کوچکترین تردید و شکی در صداقت، احساس مسئولیت و دلسوزی در تو که غمخوار مردم و کل جامعه هستی ندارم. این را از آن رو میگویم که تو را میشناسم. اما متد برخوردت به رفع معطلاتی که سرش صحبت کردیم از نظر من نادرست است. توضیح میدم. به حاکمیت و دولت اشاره کردی. حاکمیت و دولت دو پدیده جدا از هم نیستند. دولت ابزار اجرایی و فونکسیون هر حکومتی است. فرض را بر این بگذاریم این حاکمیت مثلا با افق ناسیونالیستی باشد یا خیر با افق و اهداف سوسیالیستی باشد. در هر دو حالت صورت مسئله فرقی نمیکند. اگر این را مد نظر بگیریم مسئله این است که این جامعه با فرض قرار گرفتن هر کدام از گرایشات اجتماعی در راس آن نیازمند اداره شدن است. اینکه بفرض من نوعی یا حزب من و یا تو نوعی یا هر حزبی که به آن سمپاتی داشته باشید ممکن است فونکسیونهای مناسب مورد نظر خود را برای اداره جامعه سازمان دهد. حداقل آنچه که من از نظر خود میتوانم بگویم شوراها، نمایندگان شوراها ارکان اصلی حاکمیت هستند.

اگر قرار باشد فونکسیونهای حتی یک حزب یا نهادهای شوراها مردم اسمشان دولت باشد و فرض را بر این قرار دهیم که دولت همانند دولتهای قبلی خواهد بود، بنابر این نباید برای کسب قدرت سیاسی دست برد. تمام نیروهای سیاسی و احزاب سیاسی بخاطر همین موضوعیت دارند و گرنه معلوم نیست چرا حزب و سازمان وجود دارد. به این اعتبار پاسخ به نکته دوم تو این است که این احزاب هستند که بعنوان نماینده گرایشات اجتماعی ابراز وجود میکنند و گرنه

جنبشهای اجتماعی که میگوتید خودشان به مصاف همدیگر میروند مفهومی گنگ است و هیچ جنبش اجتماعی بی شکل مادامکه به جریانات چپ، راست و غیره وصل نباشند بتنهایی و بی شکل بطور غیر سازمانیافته و متفرق نمیتوانند سنگی روی سنگ بگذارند. از این رو من و حزب ما از طریق پلمیکهای فیسبوی که بنویس خود مهم هستند به مصاف با جنبشهای اجتماعی نرفته ایم بلکه برایش حزب ساخته ایم و دارد با شیوه ها و فونکسیونهای دیگر در این مصاف دخالت و کار میکند.

حککا از چیزی فرار نکرد سیامک جان بلکه با تحلیل و تشخیص درست از اوضاع آندوره که خودت هم بیاد داری نشان داد که باید به مصاف موج برگشت علیه کمونیسم و آرمانهای انسانی که دنیا را درنوردید گام گذاشت. بعد از آن دوره و طی بیش از دو دهه اخیر تمام طیفهای موجود کومه له چکار خاص و عجیبی انجام داده اند که اگر حککا "فرار" نمیکرد میتوانست انجام دهد؟ در کامنت همچنان مبارزه مسلحانه محور اصلی قرار گرفته است. مبارزه مسلحانه ضرورتی بود که مقاومت مردم کردستان در برابر تهاجم حکومت اسلامی در دامانش گذاشته بود. امروز دیگر آندوران نیست و میشود مجزا سرش صحبت کرد.

در مورد قرار گرفتن در کنار جریانات دیگر ترم درستی نیست. درست نیست که دعوت به کنگره یا جلسه ای را با ترم کنار دیگران قرار گرفتن توضیح داد. سر این جداگانه مطلبی نوشتم و روی صفحه فیسبوک من موجود است و تکرار نمیکنم. هر کس علاقه داشت میتواند مطالعه کند. از این دعوتها اگر دوباره اتفاق بیفتد باز هم شرکت خواهیم کرد و حرف خودمان را از موضع منافع جامعه بارها از هر تریبونی تکرار خواهیم کرد.

اگر کمونیسم کارگری اب سرد روی چیزی ریخته باشد کنار زدن و نشان دادن بی افقی گرایش ناسیونالیسم در کومه له بود که با بازگشت طالبانی و بارزانی فیلشان

یاد هندوستان کرده بود.

نظر لطف داری که در مورد دفاع من از تو در آن دوره اشاره کرده ای. سیامک جان آن تعرضی که به تو و به امثال تو آندوره صورت میگرفت اتفاقا از سوی گرایش ناسیونالیستی خفته در درون کومه له بود و من شخصا از بدو قیام و انقلاب پنجا و هفت تا روزهای آخر خود را در تقابل با آن میدیدم. اتفاقاتش را خودت بهتر از من میدانی و لازم به توضیح نیست.

من و ما خود را از بدو تشکیل حکا تا روز جدا شدن از آن نه تنها مسئول میدانیم و نه اینکه آنرا نفی نمیکنیم بلکه آن دوره معین را بعنوان برگ درخشانی از تاریخ پر افتخار نزدیک به یک دهه خود محسوب میکنیم.

امیدوارم فرصتی دست دهد از نزدیک یکبار دیگر تو سیامک عزیز را ببینم و با صرف دو لیوان آبجو گپی بزینم و یادی هم از خاطرات گذشته بکنیم. دستت را بگرمی میفشارم

آرام گرگین: رفیق عبدالگرامی

من متاسفم که پیوستگی خود را به گذشته حفظ نمیکنید. تاریخ نگار شریفی، لازم نیست که حتی چپ باشد، بخواید تاریخ کردستان ایران را بنویسد. اتفاقا اگر کومه قبل از حزب کمونیست را مبنا نگیرد. چیزی برای نوشتن ندارد. کومه قبل از تشکیل حزب کمونیست، کومه ای در حال رشد و سازمان ده، توده ای در ابعاد هزاران نفر. قد علم کردن در مقابل ارتجاع اسلامی و ناسیونالیسم دموکرات، جمع کردن بساط زرگاری ... سازمانده کوچها، تجمعها، متینکهای هزاران نفری، که خود شما هم در آن سهیم بودید با آنچه که بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران انجام شد مقایسه کنید، چیزی برای تاریخ ندارد. بعدا حزب کمونیست ایران منهای کومه تعدادشون از دو رقم بیشتر نیست.

در خاتمه رفیق عبدالعزیز حزب شما و کل جریانات منشعب از آن ربطی به چپ ندارند. یک جریان لیبرال پرو غرب است که تمام فلسفه اش ضدیت با اسلام هست و کلا یک

جریان برانداز هست همانطور که داریوش همایون هم هست.

ممکن است شما بروید مقاله فلان سال منصور حکمت را بباورید حالا کپی کردنهاش را نادیده بگیریم. خیلی مارکسیستی هست اما یک مقاله دیگرش درست صد و هشتاد درجه آن هست. یک جریان متناقض گو هست. حالا فرض کنیم در تئوری چپ هست، اما در عرصه عمل من بعنوان ناظر و بیرون از آن ماجرا جریان شما یک جریان راست را بیشتر پرو غربی (البته پرو غربی دولتی و رسمی والا میشود پرو هوادار دستاوردهای عظیم طبقه کارگر غرب بود.) میبینم. که بیشتر نزدیکی با یک ناسیونالیسم فارس که به مرض نوستالژیا گرفتار، نمونه عباس میلانی و نفرت از اسلام دارد که کشور متممن و تاریخ دار ایران را جلو جهانیان خار کرده است و این ناسیونالیسم فارس اسبش را زین کرده که جوانان ایران جامعه مدرن غربی میخواهند. و اگر حمله مغول نبود تمدن بشری از آنجا آغاز میشد.

کلیریان: آرام عزیز در کامنت قبلی برات نوشتم اگر حوصله کردید و ارزشش را داشت حتما این تاریخ را بخوانید و رویدادهایی که شما هم بهش اشاره کرده اید آنجا بیشتر و روشنتر متوجه خواهید شد. نکته دوم اینکه جنبش چپ اجتماعی در جامعه کردستان بویژه در جایی مثل سنندج نیروی مادی حرکتیهای نامبرده بود که کومه له آن ایام را تحت فشار قرار میداد که به آن وقایع

معطوف شود. زمانی که مردم، جوانان و محافل چپ درگیر حرکتیهای انقلابی بودند بنا به استناد به کتاب منتشر شده از سوی ساعد وطن دوست و ملکه سلطانی میتوانی متد، نگرش و درک آن مقطع کادرهای مخفی کومه له در اجلاس "کنگره یک" آنرا مطالعه کنی. میخواهم بگویم جوشش اجتماعی چپ جامعه عامل محرکه برای کادر رهبری کومه له و هول دادنشان بجلو و خلق حرکتیهای بعدی بود. بعضا و خوشبختانه بنا به تیز بینی یکی دو تن از آنان بقیه این رهبران نیز بدنبال روندیهای حوادث آندوره کشیده شدند.

شما میتوانید تا نیرو در بدن دارید بگوئید که حککا چپ نیست. هیچ ایرادی هم ندارد آنقدر این را بگوئید چپ نیست و لیبرال است تا بتوانید با همین عبارات دیگران را هم قانع کنید.

مقاله یا نوشته ای از منصور حکمت را تا کنون بعنوان فاکت دم دست شما یا هیچ کس دیگری نگذاشته ام. علاقمندان به سمپاتی برای مطالعه مقالات و تئوریهای نظری و سیاسی او لابد میروند و در سایت منصور حکمت خودشان مطالعه میکنند. حتما کسانی هم که نقدی سیاسی و جدی به خط منصور حکمت دارند لابد اینقدر سیاسی و جدی هستند که بروند فلان بخش از مقاله مورد نقد و "متناقض" او را نشان دهند و آنرا سیاسی، جدی و بی رحمانه نقد کنند. خسته نباشید.

دستگیر شده گان کمین اعتراضی مروان هر یک با قرار وثیقه پنجاه میلیون تومانی، عصر شنبه ۱۷ مهر آزاد شدند

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!